*برگردان* شاپور احمدي

**گئورگ تراكل**



**شب زمستاني**

1. برف باریده است. پس از نیمه‌شب، مست از شراب ارغوانی پناهگاه تاریک انسانها را وامی‌گذاری، زبانه‌ی سرخ اجاقشان را. آه ظلمات!

2. جنگل سیاه. زمین سخت است، هوا تلخ‌مزه. ستارگانت به نشانه‌های شر می‌پیوندند.

3. با گامهای گرانبار در جوار پشته‌ی راه‌‌آهن می‌پلکی، با چشمان گرد، مانند سربازی که بر سنگربندیِ سیاهي یورش می‌آورَد. به پیش!

4. برف و ماه تلخ!

5. گلوي گرگ سرخی را فرشته‌ای فشرد. خرامان، لنگهایت طنين مي‌اندازند مانند یخ آبی‌فام، و لبخندي سرشار از ماتم و غرور سیمایت را سنگ‌كوب کرده است و از جذبه‌ی برفك رنگ از پیشانی‌ات می‌پرد.

6. یا در سکوت خم می‌شود بر خوابِ نگهبانی که در کلبه‌ی چوبی‌اش بر زمين تپيده است.

7. جنگل و دود. پیراهنی سفید ساخته‌ی ستارگان می‌سوزانَد شانه‌های گرانبار را و کرکسهای خداوند قلب فلزی‌ات را چاک می‌دهند.

8. آه تپه‌ی سنگی. ساکت و در محاق فراموشی آن پیکر چاییده می‌گدازد در برف نقره‌ای.

9. سیاهوش است خواب. گوش ديري است رد ستاره‌ها را در یخ دنبال می‌کند.

10. هنگام بیداری، ناقوسهای دهکده می‌نوازند. از دروازه‌ی شرقی روز گلگون یکسره نقره‌پوش رسید.

**آوازهاي رزاري** \*

  *برای* خواهرم

هر جا كه پا بگذاري پاييز و شامگاه مي‌شود،

زير درختان، آهوي نيلي كه صدايش مي‌آيد،

بركه‌اي يكه در شامگاه.

به‌آرامي صداي فوجي از پرندگان مي‌رسد،

مالیخولیا بر كمان ابروانت.

صداي لبخند نازنينت مي‌آيد.

\*\*\*

خدا پلكهايت را خوابانده است.

شبانه ستارگان مي‌پویند، آي كودك جمعه‌ي نيك\*\*،

ديدرس پيشاني‌ات را.

\*آوازهاي رزاري Rosary Songs، نيايشي است در آيين كاتوليك در ستايش مريم مقدس، و نيز تسبيحي است كه با آن نيايشهاي خوانده را مي‌شمارند.

\*\*جمعه‌ي نيك Good Friday، جمعه‌ قبل‌ از عيد پاك‌.